

تأثیر قرآن بر شعر مَلاپَریشان

دکتر علی عباس رضایی نورآبادی

استادیار

دانشگاه لرستان

چکیده

مردم لک زبان که عموماً در نیمه غربی استان لرستان و مناطقی از استانهای کرمانشاه، ایلام، همدان و ... مقیم هستند؛ اغلب دارای ذوق ادبی و طبع و قریحه شعری می باشند چنانکه - شاید به پای شاعران بزرگ ایران زمین نرسند ولی - با در نظر گرفتن جمیع جهات و همه شرایط، خواننده از خواندن اشعار محلی آنها سرمست و مسحور فصاحت و بلاغت و رقت و دقت این سروده ها می شود. این شعرا در همه قوالب و مضامین و مفاهیم طبع آزمایی کرده، مخصوصاً تلمیح به آیات قرآن که مبین باور عمیق قلبی آنها به مبانی دین گرامی اسلام است از یاد نبرده اند. مَلاپَریشان دلفانی یکی از زعمای متقدم این سراینندگان است که در قرن هشتم هجری می زیسته بر مبانی کلام و عرفان و تصوف، شریعت و طریقت و حقیقت اشراف کامل داشته، بر آیین حروفیه و نقطویه بوده و از همه مهمتر اینکه سراسر دیوان اشعارش مشحون از آیات قرآن است که در مقاله حاضر به همین موضوع پرداخته شده است.

* * *

کلمات کلیدی : مَلاپَریشان - شعر لکی - تلمیح و ... - آیات قرآن.

* * *

مقدمه

علما و محققان و متخصصان مقوله « فرهنگ » در تعریف « فرهنگ » آن را شامل چندین عنصر مهم و زیرمجموعه می دانند و معتقدند مهم ترین یا یکی از با اهمیت ترین شاخه های فرهنگ، همانا « فرهنگ عامه » می باشد. و همین فرهنگ عامه را نیز شامل چندین عنصر مهم و زیرمجموعه می دانند که باز معتقدند مهم ترین یا یکی از با اهمیت ترین شاخه های فرهنگ عامه، « ادبیات عامیانه » است که شامل سخنان ادبی و هنری، شعر و چیستان و ضرب المثل و ... می باشد.

در لرستان که به دو گویش لری و لکی تکلم می شود، از دیرباز تا کنون « لکی » زبان کتابت و وسیله بیان احساس و شور و حال بخصوص سروده های آیینی یارسان (اهل حق) موسوم به « کلام » بوده است. لکی به لحاظ آیین نگارش و قواعد نگارشی و دستوری، ظرفیت ثبت و کتابت دارد و مخصوصاً از جهت گنجینه واژگان، از چنان غنای اعجاب آوری برخوردار است که خیال انگیزترین سروده های موزون و مقفی و مخیل در انواع موضوعات و اقسام قوالب با این گویش خلق شده است.

اینکه لکی را برخی از محققان گُرد، شاخه ای از کردی و بعضی نویسندگان لر، لهجه ای از لری می دانند؛ پژوهشگران دیگری هستند که آن را بازمانده یکی از زبانهای باستانی ایران چون پارسی پهلوانیک اشکانی و ساسانی (میانه) یا زبان مادها که در غرب کشور ایران رایج بوده است، می دانند.

در این جا فقط برای روشن شدن اذهان آن دسته از خوانندگانی که لکی را کاملاً نمی شناسند، نظر دو تن از محققان غیر لک ذکر می شود :

۱) شادروان اسفندیار خان غضنفری (امرایی) که اصالتاً « لر » بوده و تمام عمر خود را در راه جمع آوری و ثبت و ضبط و اعتلای ادبیات لرستان مصروف داشت و تألیفات فراوانی نیز

دارد، در کتاب « کلیات دیوان میرنوروز » که به اهتمام وی چاپ گردیده است، می گوید: « ... میل دارم بتدریج ذهن و ذوق خوانندگان علاقه مند را به این سبک ادبیات (فارسی، ملمع و لری) آشنا کنم تا کم کم از فارسی به ترکیبی از لری و فارسی و سپس خود « لری » متوجه ، علاقه و میزان تفهم آنان را برای مطالعه و استفاده از اشعار بسیار نغز و شیوای « لکی » که اساس ادبیات اصیل لرستان را تشکیل می دهد، ضمن مراعات این سلسله مراتب تقویت و آماده سازم. » (غضنفری : ۱۳۶۵ ص ۸)

۲) حمید ایزد پناه که اصالتاً « لر » می باشد، در قید حیات است و از محققان فعال و آکادمیک لرستان محسوب می شود و تألیفات فراوانی در خصوص لرستان دارد، در کتاب « فرهنگ لکی » خود می گوید: « لکی، زبان شعر و بیان حال، عشق و اعتقاد و یا حماسه و احساس بوده است. کتابت هم داشته است. از این رو تعدادی دیوان شعر از سراینندگان لرستان به لکی باقی است؛ برخی به طبع رسیده است مانند دیوان ملاپریشان لک ، سروده های یارسان و » (ایزدپناه : ۱۳۶۷ ص ۲۴۰) همچنین در مقدمه کتاب « شاهنامه لکی » خود می نگارد: « لکی را باید به جا مانده و یا همان زبان پهلوی باستان دانست که با گذشت زمان، کمتر آسیب دیده است زبان لکی، از این جهت زبانی فراگیر بوده که هم زبان گفتگوی روزانه و هم زبان شعر و ادب و بیان احساس در ترانه سرایی و مهمتر از آن، زبان آیینی و نیایشی یارسان یا اهل حق در لرستان بوده و می باشد. » (ایزد پناه : ۱۳۸۴ ص ۸ و ۹)

علی ایحال اشعار بسیار زیاد و متنوعی به لکی در دست می باشد که متأسفانه جز قلیلی از آنها به چاپ نرسیده است و همچنان سینه به سینه و شفاهی به دیگران و نسلهای بعد منتقل می شود که البته خطر فراموش شدن تدریجی آنها کاملاً احساس می شود و باید برای جلوگیری از نسیان و زوال این گنجینه بسیار غنی و سرمایه عظیم ادبی، هرچه زودتر نسبت به جمع آوری، ثبت و ضبط و طبع و نشر آنها اهتمام شود. در آثار سراینندگان لک، تنوع مضمون حیران کننده ای نظیر حماسی و تاریخی، غنایی و بزمی، مدح و ذم، دینی و آیینی و نیایش و منقبت و ... به چشم می خورد. در قسمهای اخیر که جان مایه آن اسلام و قرآن است، استشهاد شعرا از آیات قرآن مجید جایگاه خاص و ویژه ای دارد چنانکه به جرأت می توان گفت حتی یک شاعر لک زبان

یافت نمی شود که مجموعه اشعارش از این تلمیحات و استشهادات و اشارات عاری باشد؛ و بحق گل سرسبد آنها در این زمینه ملاپریشان است که سراسر دیوان اشعارش از آیات قرآن کریم موج می زند؛ چنانکه خود در شرایط شاعری می گوید: « ژ علم حکمت، معانی، بیان دلیل باوری هر دم ژ قرآن.»

ذیلاً به معرفی ملاپریشان و استشهادات قرآنی از دیوانش پرداخته شده است:

ملاپریشان در نیمه دوم سده هشتم هجری می زیسته، چنانکه از سیاق کلامش پیداست از طوایف دلفان بوده؛ و در یک دستنویس وی را از تیره غیاثوند دانسته اند که بین سلسله و دلفان واقع است. و این بیت را که می فرماید:

ژ الوار کوه حق پیدا میو
یا من فی الجبال خزائنه^{۱۸}

دلیل بر لر بودنش فرض می توان کرد.

اشعار ملاپریشان با لفظ و لهجه کرمانجی است و این همان لهجه ای است که سرایندگان جنوب کردستان، ایلام، کرمانشاه و لرستان اشعارشان را بدان گویش سروده و با این لفظ افاده کلام کرده اند.

وی با اغلب علوم عصر خود آشنا بوده، عارفی صوفی و صوفی ای صافی ضمیر که محبتش در دلهای مردم غرب کشور، مقام و مکانی بس ارجمند دارد. کمتر گوینده ای را می توان یافت که تا این اندازه نسخه های دست نویسش بین مردم پراکنده و موجود باشد. عارف اندیشمندی که عشق و آشتگی و ایمان و علایقش تنها گرد یک محور می گشته است: «حق»؛ و این توجه عمیق به حق و حقیقت با بیانی ژرف و منطقی رسا از زوایای مغز متفکرش بر بیاض کاغذ آمده، همه جا سخن از عشق و فضیلت و معرفت است.

از عرفان و تصوف و رشته های علمی آنچه مورد توجه خاص اوست، شناخت ذات کامل الصّفات الهی است که از راه معرفت به نفس و هنگام توجه به مبدأ جهان، در وادی حیرت عاجز

- بخشی از یک دعا در «بحار الانوار» مجلسی است؛ : یا من فی البحار عجائبه، یا من فی الجبال خزائنه. ج ۹۱، ص ۳۹۱. ۱۸

و سرگردان می شود؛ و چون عبارات و کلمات را برای ادای مطلب به نحوی که خواست اوست، حقیر و ناچیز می بیند، درمانده و مفتون می گوید:

بس کر پریشان پریشان حرفی ای باده پر زور، تو تُنک ظرفی

ملاً پریشان دارای سبکی ساده بوده، چنانکه با صیغه سازی و جمله پردازیهای مغلق و مطمئن اساساً میانه ای نداشته است. او در باره شاعران می گوید:

حرف موزون کردن کی صرافیه شاعری معنانش موشکافیه

منظورم ژ شعر مطلب گوییه نه خشنودی خلق، نه دلجوییه

وی از زعمای برجسته حروفیه بوده و مطالعه ابیاتش تفاوت بین حروفیهای اولیه و پیروان بعدی این فرقه را کاملاً روشن می سازد و در قرار دادن حروف و کلمات به جای خود کاملاً موفق عمل کرده، به بهترین وجه از عهده بر آمده است.

سراسر دیوان ملاپریشان که با تصحیح و توضیحات روان شاد اسفندیارخان غضنفری

امرای چاپ و نشر یافته است، تلمیح به آیات و احادیث، ادعیه معصومین و کلمات قصار عربی و مشحون از اشارات حکمی و تاریخی است. واقعاً مشاعر خواننده از این همه اشراف بر امهات متون و مبانی دین، و این همه اطلاعات وسیع و معلومات و معارف گسترده به شدت متعجب و شگفت زده می شود. و لذا توفیق اجباری نصیب این بنده کوچک خدا گردید که به بهانه شرکت در همایش « کله باد » تیمناً یک بار دیگر با تورق دیوان ملاً - در حد وسع و فرصت - گونه های مختلف اشاره به آیات قرآن مجید با استشهادات مفید و مختصر نگاشته شود، که ظاهراً به سه شکل: درج عین آیه یا بخش اعظم آن، درج یک یا چند کلمه پراکنده آیه و یا اشاره به معنا و مضمون و پیام آن اعمال کرده است. تا چه در نظر آید!

الف (ابیاتی که در آنها عین آیه یا بخش اعظم آن لفظاً درج است:

لارطب لایابس الّا فی کتاب کتاب درجن حمد و فصل الخطاب

= سورة انعام آیه ۵۹

کمال توحید نفی صفاتن لایحیطُ شیء یه نُبی واتن

= لایحیظون بشیء الا بما شاء . . . ؛ بخشی از آیت الکرسی است. سوره بقره آیه ۲۵۵

وجه الله علی ، عشر علی هو

= سوره قصص آیه ۸۸

ماخلقت الجن و الانس وات بیچون

ألا لیعبدون ایّ لیعرفون

= سوره ذاریات آیه ۵۶

فاخلع نعلیک هات و موسی ندا

ث حق بالواد المقدّس طوی

= سوره طه آیه ۱۲

پایه بندگی و جایی نشان

لم یطمئنن إنس و لا جان

= سوره الرحمن آیه ۷۴

له قاب قوسین ویرد أو أدنی

نه زمان معلوم، نه مکان پیدا

= سوره نجم آیه ۹

لکن و السّماء فی ذات الحُبک

لولا علیاً لما خلقتک

= سوره ذاریات آیه ۷

ث دل و دیده تخم فراوان کاشت

مَرَجَ البحرین یلتقیان وات

= سوره الرحمن آیه ۱۹

حمد مشتق بین ث فرد مبین

الحمد لله رب العالمین

= سوره حمد آیه ۱

نترسی ث نار تا آما الهام

یا نار کونی برداً و سلام

= سوره انبیا آیه ۶۹

کی مشهود میو اسرار کمون

أنی أعلم ما لا تعلمون

= سوره بقره آیه ۳۰

و عرش خداست أو کرسی نشین

الرحمن علی العرش استواست

این

= طه ۵

من يحيى العظام و هي رَمِيم

سمیع داور، علیّ عظیم

= یاسین ۷۸

لن تنالوا البر حتى تنفقوا

کی خجل منن ژ احسان تو

= آل عمران ۹۲

ظهر الفساد في البر و البحر

اصلاح مطلب نممن و دهر

= روم ۴۱

حق وات: قل الروح من امر ربي

یسئلونک عن الروح ز نبی

= اسراء ۸۵

ذلك هو الخسران المبين

چی گدای یهود نه دنیا و نه دین

= سورة زمر آیه ۱۵

در باطن مچین و قاطر خرین

ظاهر و ایاک نعبد نستعین

= حمد ۵

من قلب فی جوف فرمان دا یزدان

ماجعل الله رجل و قرآن

= أحزاب ۴

أنكر الاصوات لصوت الحمير

پی تسخیر عام مکیشن صغیر

= لقمان ۱۹

أنتم و گردن حق نین بعید

أنا أقرب من جبل الوريد

= ق ۱۶

الهه هواه و ما أخذ

أ فرأيت من أتخذ

= جائیه ۲۳

ليس للانسان الا ما سعى

سعی گر و اخلاص پری مدعا

= نجم ۳۹

هات، نفساً أَلَّا وسعها خطاب	لا يُكَلِّفُ اللهُ وَصَفْحَةً كِتَابٍ
	= بقره ۲۸۵
مرادحسین بی ژ ربّ کریم	وَ فَدینَاهُ بِذَبْحٍ عَظِیمٍ
	= صافات ۱۰۷
ما تشائون أن یشاءالله	لَهُ مَا رَمیتَ لیش دارو گواه
	= انسان ۳۰
یدالله فوق ایدیهم حق وات	پنجۀ یدالله علین معنات
	= فتح ۱۰
مدح حیدر کرد حق آرای احمد	لم یکن لَهُ کفوّاً أحد
	= سوره اخلاص آیه ۴
هریسَه لیسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ	شخص باطن وات بعد از فحص حی
	= سوره شوری آیه ۱۱
لکم دینکم و لّی دین حق وات	عقل و هوش همتای بار عشق نهات
	= سوره کافرون آیه ۶
عذرش من الماء کلّ شیء حیّ	تاک آرا انگور پرورش مدی
	= انبیاء ۳۰
و السّیئات یُذهبنّ الحسّنات	أَلْحَسَنَاتُ یُذْهَبْنَ السّیِّئَاتُ
	= هود ۱۱۴
روی لمن الملك واحد القهار	ژ قدرت حق قامع الکفار
	= غافر ۱۶
ما علمنا شعر، ما ینبغی له	بیزارم ژ شعر پی جمع صله
	= یاسین ۶۹
امکن أدعونی استجب لکم	مشهد مقدس ، کاظمین و قم

= غافر ۶۰

لايحب كل مختال فخور

عجب کردن و لای خدای غفور

= حدید ۲۳

مثل الحمار يحمل أسفار

بینی بین الله علم چنش بی بار

= جمعه ۵

إن الباطل كان زهوقا

جاء الحق زهق الباطل و معنی

= إسرائ ۸۱

انك انت التواب الرحيم

و تب علينا بذنب عظیم

= بقره ۱۲۸

ان مع العسر بعد يسر حق وات

عسر دنیا دالن و یسر عقبات

= إنشراح ۵ و ۶

وات عن ذنبه انس و لا جان

فیومئذ لا یستل الرحمن

= الرحمن ۳۹

كاظمين الغيظ عافين عن

پس معنای آیه چیشن و قیاس

الناس

= آل عمران ۱۳۴

و لا یغرنکم بالله الغرور

گر ایمن مویت ژ دیو شرور

= لقمان ۳۳

ژ لم اتخذ فلاناً خلیل

پریت باورم ژ قرآن دلیل

= فرقان ۲۸

تعمی القلوب التی فی الصدور

خیره نگاهان چشم باطن کور

= حج ۴۶

و من أن یحصى و من أن یشکر

نعمتت أوفر ، إحسانت اکثر

= نحل ۱۸

بسہ پی تنبیہ ہر صاحب شعور
ألا الى الله ترجع الامور
= سورة بقرہ آیہ ۲۱۰ / سورة آل عمران آیہ ۱۰۹ / سورة انفال آیہ ۴۴

نامہ عصیانم آر نکین تو حک
فمن ذا الذي يشفع عندك

= بقرہ ۲۵۵

إذا مسَّ الشَّرَّ جَزَوْعاً
إذا مسه الخير منوعاً

= معارج ۲۰ و ۲۱

مَكَّنْ پیروی ابلیس لعین
انه لكم عدوٌ مبين

= بقرہ ۱۶۸

مر لطف تو بو بدَریم پناه
جاری بوم وَا أمر توبوا الى الله

= تحریم ۸

أر لطفت نَبو وَا من رهنمون
لا صرِيخَ لى و لا تنفذون

= یاسین ۴۳

مجرم فراوان و ویش کرد ستم
فنت اليه رب اغفر و ارحم

= مؤمنون ۱۱۸

شهباز و خفاش کی بَین نظیر
و ما یستوی الاعمى و البصیر

= فاطر ۱۹

پی صلاحیت جمع بین مسلمین
ألا إنهم، هم المفسدين

= بقرہ ۱۲

وَا ما یَنطقُ عنِ الهوى بی
إن هُوَ إِلا وحيٌ یوحى بی

= سورة نجم آیات ۳ و ۴

یسه پی جزای ملاعین دون
وَا ساء الذى كانوا یعملون

= توبه ۹

طاعن و مطعون قرآن عظیم	مَناع للخیر، معتد أثیم
= قلم ۱۲	
غیر ژ تو نین کسی دستگیر	نعم المولا و نعم النصیر
= سورة انفال آیه ۴۰	
حکم خذوه فغلوهُ نکین	ثمّ الجهیم صلّوهُ نکین
= سورة حاقه آیات ۳۰ و ۳۱	
نَدَریم وَ حُبّ نبی و اهل بیت	لا ترغ قلبی بعد اذ هدیت
= آل عمران ۸	

ب) آیاتی که شاعر با ذکر یک یا چند کلمه پراکنده، بدانها اشاره دارد:

سبع مثنی و معناش دوان	سبع المثنی حمد چارده تن زان
= سورة حجر آیه ۸۷	
ژ سرای ام هانی درّه البیضاء	خروج کرد و عرش لیلئ الاسرا
= سورة اسراء آیه ۱	
کما ریسانی ضمیر أم و أب	علی و محمد عددن و رب
= سورة اسراء آیه ۲۴	
أر دیرین وَ عرش ممکن یکتایی	له شق القمر انگشت نمایی
= سورة قمر آیه ۱	
اسم اعظمی اسماء الحسنی	شفع و وتر له جنب ذات بی پیدا
= أعراف ۱۸۰	= فجر ۳

تصرف دیرین تو و موجودات	کل شیء قدیر ذات غیر ذات
= بقره ۲۰	
پرورده احمد مکه مکینی	عروه الوثقی، حبل المتینی

= بقره ۲۵۶	= آل عمران ۱۰۳
قائل أنا بحرالحديدى	ژ قول خدا بأس شديدى
= سورة الحديد آية ۲۵	
يسبح الله ورد زوانت	سورة توحيد دالن و شانت
= جمعه ۱	= سورة إخلاص
موسى ارنى گوى لن ترانين	محتاج يك حرف هم زوانين
= أعراف ۱۴۳	
وقت جدالت و مغضوبين	سنانت مدّ و لا الضالين
= حمد ۷	
فالق الاصبح و اذن خدا	هر تويى فالق حبّ و النوى
= أنعام ۹۶	= أنعام ۹۵
حب ذات عشق آيين أخص	سورة يوسف کرد احسن القصص
= يوسف ۳	
عَلَقَهُ مُضْغَةً خُودِيْنِي مَكَّة	له جمع مردم بديني مَكه
= مؤمنون ۱۴	
ضمير و تأنيث راجعن أرى	و كأنها كوكب درى
= نور ۳۵	
ظاهر مسلمان و باطن ملعون	قاتلهم الله أنى يؤفكون
= توبه ۳۰	
منافع للناس نقش ضميرش	ژ خاطر بردن إثم كبيرش
= بقره ۲۱۹	
مَثَلِش حضرت پرسى ژ قرآن	كلّ فى فَلَك وات على ژ يزدان
= سورة انبيا آية ۳۳	

یستهنون بالله ما فوق ذنوب	يقول بافواه، ليس في قلوب
= بقره ۱۵	= آل عمران ۱۶۷
متى هذا الوعدہ کتتم صادقین	و تصدیق روژ الست هی مکین
	= أعراف ۱۷۲
یؤمنون بالغیب من ویم شمردم	ایمان و ولات ژ غیب آوردم
	= بقره ۳
بی لاتقنطوا من رحمہ الله	نومید ژ ذات نیم و ذات الله
	= زمر ۵۳
الامان ژ یوم ینفخ فی الصور	محشر کبرا له وقت ظهور
	= أنعام ۷۳ / طه ۱۰۲
بمغفره و اجر کریم	فبشرنا وات ژ لطف عمیم
= یاسین ۱۱	= صافات ۱۰۱
احصیناه فی امام مبین	بعد از کل شیء حق وات و یاسین
	= یاسین ۱۲
ارای ذات هات و حسن الماب	و لسوف یعطیک فترضی خطاب
= آل عمران ۱۴	= ضحی ۵
قل لو کان البحر شاهد حائلن	وصفش و تحریر بی احتمالن
	= كهف ۱۰۹
و أن یقولون ما لایعملون	هرکس دم بدی و ذات بیچون
	= شعراء ۲۲۶ / صف ۲
مالک الرقاب ، صاحب جبروت	وحده لاشریک ، حی لایموت
	= فرقان ۵۸
تنهای لم یلد و لم یولدن	أحد و واحد، فرد صمدن
	= توحید ۱ تا ۳

بر نچین ژ تحت حکمت انس و جان
لا ینفذونی الا بسطان
= أرحمن ۳۳

هرکس بزانو عسی تکرهو
رضا و قضا و قدرت میو
= عسی أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی أن تحبوا شیئاً و هو شر لکم , بقره ۲۱۶
نازل کننده آیه لا تیأس
یا صادق الوعد و فریادم رس
= منظور همان آیه « لاتقنطوا » است؛ زمر ۵۳

این للقری روحی فی یدیک
شکوت ذلی و حزنی إلیک
= یوسف ۸۶

لیس و أعراف مولای سواک
روی رحمتت گر و مشتت خاک
= منظور قسم به سوره أعراف است،
پی مبتلایان کس هر تونی بس
= انبیاء ۸۳

پی رمی مارمیت أنا اذ رمیت
و لا تبسطها پری ما اعطیت
= سوره انفال آیه ۱۷

إسراء ۲۹

یا فرازنده سوره هل اتی
یا برازنده تاج لافتی
= دهر ۱

یوفون بالندر و شأن تو بی
آیه إنما برهان تو بی
= انسان ۷

قدرش ژ سوره فتحنا گذشت
ژ قاب قوسین أو أدنی

گذشت

فتح ۱
نار هاویه پریشان اولی
= نجم ۹
یوم لا یغنی مولی عن مولا

= دخان ۴۱

ث باده لا خوف سیراوم بکین

و أ لم اعهد خطابم نکین

= قارعه ۱۱ و ۹

مرحوم مغفور حساوم بکین

و قهر و غضب عتابم نکین

= بقره ۲۸

= یاسین ۶۰

ج (آیاتی که شاعر در ضمن ابیات به معنی و منظور یا پیام آنها اشاره دارد:

اطعام مسکین ، یتیم و اسیر

سه شو پی در پی کردی ای امیر

= سورة دهر آیه ۸: و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و أسیراً.

زکات سائل در حال رکوع

سختات نه عالم پیدا کرد شیوع

= مائده ۵۵: إنما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

و هم راکعون.

اگر او موسی تو چی هارونی

اگر او تینه تونی زیتونی

= تین ۱: و التین و الزیتون و ...

وصی نبی بلافاصله

برگزیده حق بی مباحله

= آل عمران ۶۱: ... فقل تعالوا ندع أبنائنا و أبنائکم و نسائنا و نسائکم و أنفسنا و

أنفسکم ثم نبتهل فنجعل

لعنت الله علی الکافرین.

آفریدت کرد بوالبشر ژ خاک

تو مالک الملک بدیع الافلاک

= أنعام ۲: هو الذی خلقکم من طین ...

ابلیس إبا کرد مردودش کردی

ملائک مأمور سجودش کردی

= بقره ۳۴: و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس أبی و کان من الکافرین.

مهلت طلب کرد نافر جام شوم مهلت تمام بی تا یوم المعلوم
= حجر ۳۶ تا ۳۸: قال رب فأنظر لی الی یوم یبعثون. قال فانک من المنظرین. الی یوم
الوقت المعلوم.

دیو خودپسند سجده انکار کرد دینداران چند ژ دین بیزار کرد
= حجر ۳۹: قال رب بما اغویتنی لازینن لهم فی الارض و لاغویینهم أجمعین.
پری انحراف انسان کمر بست بعضی لغزنا، بعضی ندا دست
= حجر ۴۰: الا عبادک منهم المخلصین.

* * *
* *
*

نتیجه گیری

آنچه از این پژوهش به ظاهر استنباط و استنتاج می شود و البته غیر قابل انکار است، اینکه
ملاً پریشان علاوه بر طبع شعر و قریحه روان شاعری، از علمای دین بوده و بر قرآن و حدیث و
دیگر امّات متون دین اسلام اشرف کامل داشته است. نیز در تصوّف و مکاتب نهران گرایانه و
عرفان دستی داشته، مخصوصاً از علوم غریبه و آیین حروفیه و نقطویه متأثر شده است.

ملاً در استفاده از قرآن کریم غالباً به سه شیوه اقتباس نموده است:

- ۱- آوردن عین آیه یا بخش اعظم آن در شعر خود.
- ۲- آوردن یک یا چند کلمه پراکنده از آیه یا آیات مورد نظر.

۳- اشاره به معانی و مضامین آیه یا آیات به زبان لکی.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه استاد الهی قمشه ای، چاپ یازدهم، بیستون، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- تذکره امرایی (گلزار ادب لرستان) ، اسفندیار غضنفری(امرایی) ، چاپخانه دانش - ویرایش اول - خرم آباد ، ۱۳۶۴.
- ۳- دیوان ملّا پریشان، به تصحیح و اهتمام اسفندیار غضنفری امرائی، چاپخانه دانش، خرم آباد، ۱۳۶۱
- ۴- فرهنگ لری، حمید ایزد پناه، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۳
- ۵- فرهنگ لکی، حمید ایزد پناه ، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، تهران ، ۱۳۶۷.
- ۶ - کلیات دیوان میرنوروز ، گردآوری اسفندیار غضنفری (امرایی) ناشر کتابفروشی رشنو، خرم آباد، ۱۳۶۵،
- ۷- گلزار ادب لرستان (مجموعه اشعار) ، اسفندیار غضنفری، انتشارات تفاهیم - ویرایش دوم - . خرم آباد ، ۱۳۷۸ .